

## ***An Analysis of Shakespeare's "The Taming of the Shrew" Based on Grimace's Activist Model***

**Soheyla Falahatkar<sup>1</sup>, Zohre Sarmad<sup>2</sup>, Fereshteh Naseri<sup>3</sup>**

<sup>1</sup> PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Yadegar Imam Branch, Shahr-e Ray, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Yadegar Imam Branch, Shahr-e Ray, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Yadegar Imam Branch, Shahr-e Ray, Iran.

Article information	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> <b>Research Paper</b></p>	<p><i>Coherence of a narrative depends largely on the relationship between its structure and its internal elements. A proper understanding of narrative structure and the relationships among characters helps reveal the artistic value of a literary work. Narrative structuralism has become an important theoretical approach in literary studies that attempts to provide systematic methods for the analysis of narrative texts. One of the most influential frameworks for explaining the structure of relationships among fictional characters is Greimas' actantial model. This study examines the relationships among the characters in the play The Taming of the Shrew through a descriptive analytical approach and library research, using Greimas' actantial model as its theoretical framework. According to this model, six actantial roles can be identified in the narrative: subject, object, sender, receiver, helper, and opponent. Applying this model to the story helps clarify the structural components of the narrative and facilitates a clearer understanding of the relationships between characters. The findings of this study indicate that in The Taming of the Shrew the subject is Petruchio and the object is his attempt to marry a wealthy woman. The sender of the action can be interpreted as the desire for wealth, which functions as an abstract motivating force. The helpers include the father of Katherina and Bianca, while Katherina acts as the opponent to Petruchio's objective. The receivers of the action can be interpreted as Bianca's suitors. The analysis shows that all six actantial roles proposed in Greimas' model are present in the narrative structure of The Taming of the Shrew, indicating a clear correspondence between the story and the Greimas actantial framework.</i></p>
<p><b>KEYWORDS:</b> <i>Story, Taming of the Unruly Woman, Grimace pattern, character.</i></p>	
<p><b>*Corresponding author:</b> <a href="mailto:mtmaxplanka@gmail.com">mtmaxplanka@gmail.com</a></p>	
<p><b>Citation:</b> Soheyla Falahatkar, Zohre Sarmad, Fereshteh Naseri, (2024). An Analysis of Shakespeare's "The Taming of the Shrew" Based on Grimace's Activist Model . Research Journal of Poetry and Story Currents in Contemporary Literature of Iran.3(2):137-148.</p>	
<p><b>DOI:</b> 10.22034/PMLJ.2026.14715.1060</p>	



## بررسی داستان «رام کردن زن سرکش» از شکسپیر براساس الگوی کنشگری گریماس

سهیلا فلاحتکار<sup>۱</sup>، زهره سرمد<sup>۲</sup>، فرشته ناصری<sup>۳</sup>

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام، شهر ری، ایران.

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام، شهر ری، ایران.

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام، شهر ری، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>شکل‌پذیری هر داستان با ارتباط ساختار و عناصر درونی آن امکان می‌یابد و درک درست روایت و ارتباط شخصیت‌ها، ارزش و زیبایی آن را نمایان می‌سازند. ساختارگرایی روایی، دانش نوشکوفایی است که تلاش همه جانبه‌ای را در جهت ارائه علمی‌ترین روش ممکن، برای مطالعات ادبی مهیا می‌سازد و روش آن کشف نظام و تحلیل متون روایی است. یکی از نوین‌ترین شیوه‌ها، در جهت تبیین ساختار و ارتباط شخصیت‌های داستانی، الگوی کنشگری گریماس می‌باشد و بدین جهت، در این جستار به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش کتاب‌خانه‌ای به بررسی روابط و مناسبات شخصیت‌ها، با استعانت از الگوی کنشگری گریماس در داستان «رام کردن زن سرکش» پرداخته شده است و شش نقش اصلی، در این داستان مطابق الگوی کنشی گریماس «کنشگر، فرستنده، هدف، پذیرنده، یاری‌گر و مخالف» را بازیابی نموده و با هدف تقلیل اجزا ساختاری داستان، گام در جهت ابهام‌زدایی و درک بهینه آن برداشته است. از این پژوهش استنباط می‌شود که در داستان «رام کردن زن سرکش»، کنشگر پتروچیو و هدف او (موضوع شناسایی) ازدواج با دختری ثروتمند است. فرستنده پیام، طمع ثروت (یک مفهوم انتزاعی) و یاری‌دهنده پدر کاترینا و بیانکا (پایستا) است. اما پذیرنده داستان خواستگاران بیانکا و مخالف کنشگر کاتریناست. بنابراین همانطور که قابل مشاهده است هر شش نقش منطبق با الگوی گریماس در روایت حضور دارند و داستان رام کردن زن سرکش با الگوی کنشی گریماس هم‌پوشانی قابل‌پذیرشی دارد.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b> داستان، رام کردن زن سرکش، الگوی گریماس، شخصیت.</p> <p>* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: <a href="mailto:mtmaxplanka@gmail.com">mtmaxplanka@gmail.com</a></p> <p>ارجاع: فلاحتکار، سهیلا/ سرمد، زهره/ ناصری، فرشته، (۱۴۰۳)، بررسی داستان رام کردن زن سرکش از شکسپیر براساس الگوی کنشگری گریماس، پژوهشنامه جریان‌شناسی شعر و داستان ادبیات معاصر ایران، ۳(۲)، ۱۳۷ تا ۱۴۸.</p>
<p><b>DOI: 10.22034/PMLJ.2026.14715.1060</b></p>	

## ۱. مقدمه

روایت‌ها به صورگوناگون و متعدد در تمامی عصرها، اماکن و جامعه‌های بشری پدیدار گشته‌اند و با تاریخ بشری شکل پذیرفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت، هرگز ملتی بی‌روایت نزیسته است. روایت در لغت، نقل کردن خبر یا حدیث یا سخن گفتن یا داستان‌گویی است و در اصطلاح ادبی، رشته‌ای از حوادث واقعی و تاریخی یا خیالی است؛ به نحوی که ارتباطی بین آنها وجود داشته باشد. (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

بی‌گمان چپستی روایت را جز از راه کارکردش نمی‌توان دریافت. ما به ندرت به روایت‌ها فکر می‌کنیم اما زندگی مان به طور عمیقی در آنها غوطه‌ور است. از نخستین روزهای عمر تا واپسین دم زندگی در دریایی از داستان‌ها و قصه‌ها غوطه‌وریم که می‌شنویم، می‌خوانیم یا می‌بینیم. (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۱۵)

رولان بارت می‌گوید: روایت‌های جهان بی‌شمارند و روایت، نخست و بیش از هر چیز، شامل انواع ادبی مختلفی است که خود در میان موضوع‌های مختلف، پراکنده است؛ چنان که گویی داستان‌های بشر با هر ساخت مایه‌ای تناسب دارند. آن‌ها از طریق زبان، بیان شده‌اند به صورت گفتار یا نوشتار، تصاویر ثابت یا متغیر و ایما و اشاره و با تلفیق بسامان همه‌ی این عناصر، منتقل می‌گردند. روایت در اسطوره، افسانه، حکایت، داستان، رمان کوتاه، شعر حماسی، تاریخ، تراژدی، نمایش‌نامه کمدی، نمایش صامت، نقاشی، شیشه‌کاری نقش‌دار، سینما، فکاهی، خبر و گفت‌وگو موجود است. (وبستر، ۱۳۸۲: ۸۱)

در هر حال روایت‌ها جزئی جدایی‌ناپذیر در زندگی انسانی‌اند که مستقیماً یا غیر مستقیم، با زندگی انسان در ارتباط‌اند. اما روایت‌شناسی درک مناسبات و ترکیب درونی اثر ادبی به منظور دستیابی به ساختار نهایی یک روایت است (لاج، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۷) و به دنبال آن است که واحدهای کمینه‌ی روایت و به اصطلاح دستور پیرنگ را که برخی نظریه پردازان به آن «دستور داستان» نیز گفته‌اند، مشخص کند. (سجودی، ۱۳۸۲: ۷۴)

خاستگاه روایت‌شناسی به کتاب بوطیقای ارسطو برمی‌گردد که در فصل سوم آن میان بازنمایی یا محاکات یک ابرژه (سرگذشت، پدیده) توسط راوی و بازنمایی آن توسط شخصیت‌ها، تمایزی قائل گشته؛ که این اولین قدم، در عرصه روایت‌شناسی به شمار می‌رود. (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۴۹) بی‌تردید روایت‌شناسی یکی از مهم‌ترین نظریه‌های ادبی، در حوزه ساختارگرایی است که با کشف الگوی جامع روایت، تحول نوینی در مسیر مطالعات ساختاری داستان، ایجاد نموده است. در این شیوه از نگرش، طرح داستان، مهم‌ترین مختصه روایت است و یک داستان خوب باید آغاز، وسط و پایان خوب داشته باشد. (کالر، ۱۳۸۲: ۱۱۳) که می‌توان با نگرش نکات ظریف داستان و بیان واحدهای ساختاری بنیادی یا عملکردهای حاکم بر کارکردهای روایی متون، به نظام روایت دست‌یافت. (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۶۴)

متون روایی همچون فرمول ریاضی و علمی به هم پیوند خورده‌اند و قواعد و ساختار زیر دستوری در آثار ادبی را بوجود آورده‌اند و نویسندگان داستان آن‌ها را بی‌هیچ آموزش قبلی در ساختار داستان خویش، به کار بسته‌است. روایت‌شناسی از علوم نوین‌یاد است و تلاش همه‌جانبه‌ای، در جهت یافتن ساختار روایت دارد. در این راستا پژوهشگران متعددی، کوشش نموده‌اند؛ از میان آنها «گریماس» توانست با استفاده از نظرات پراپ، به الگویی گسترده و ثابت برای انواع روایت دست‌یابد. ضرورت پژوهش حاضر نیز، رهیافت بر نظام حاکم داستان «رام کردن زن سرکش»، منطبق بر نظریه گریماس است. این رویکرد یاری‌رسان پژوهشگران برای کشف نظم حاکم بر انواع روایت خواهد بود و هدف این پژوهش تقسیم اجزای ساختار داستان به روساخت و ژرف ساخت و اتصال به مرکزیت آن به منظور ابهام‌زدایی و گره‌گشایی و یاری رساندن به درک و فهم بهینه داستان است. پژوهش حاضر در پی آن است تا به سئوالات زیر پاسخ مناسب دهد:

۱) باتوجه به الگوی کنشگری گریماس در داستان رام کردن زن سرکش انسجام وجود دارد؟

۲) آیا داستان رام کردن زن سرکش، منطبق با الگوی کنشگری گریماس است؟

## ۱-۱. مبانی نظری

ساختارگرایی در قرن بیستم از آثار سوسور و صورت‌نگرایان روسی پدید آمد. (قائمی نیا، ۱۳۹۳: ۱۳۷۹) ساختارگرایی بیشتر بر قواعد حاکم بر صورت تاکید دارد و معنا همان چیزی است که از درون قواعد حاکم بر ساختارها استخراج می‌شود و وجهی درون ذاتی ندارد، بلکه از کنار هم قرارگرفتن روابط، قوانین و قواعد ساخته می‌شود. ساختارگرایی اساساً دغدغه معنا ندارد، بلکه معنا را برساخته روابط درون ساختاری می‌داند و در این بین بر ابزارهای معناسازی مثل زبان و روابط درون آن تاکید دارد. (فی، ۱۳۸۱: ۹۵) فرمالیسم روسی، ساختارگرایی را به عنوان یکی از شیوه‌های نقد روایت و داستان مطرح نمود (پراپ، ۱۳۶۸: ۵۳) و بر این اساس فرمالیست‌ها که به صورت، فرم، شکل و گفتمان صوری اثر ادبی توجه داشتند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: ۲۹۸) با هدف کشف الگویی ثابت برای انواع روایت به بررسی این علم پرداختند (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۰۹) اما آغاز روایت‌شناسی به عنوان شاخه‌ای مستقل، با آثار ولادیمیر پراپ، صورت‌گرای مشهور روسی محقق شد. او در اثر مشهور خود «ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه» (۱۹۲۸ م) به تحلیل نشانه‌شناختی داستان‌ها رو آورد. پیش از وی تحلیل داستان‌ها بر اساس بن‌مایه‌های آن صورت می‌گرفت. مراد از بن‌مایه، تصویر، مفهوم و یا رویدادی است که مدام در قصه، تکرار می‌شود. (همان: ۳۸۴)

بعد از پراپ، گریماس در تکمیل نظرات او «معناشناسی روایت» را مطرح کرد. گریماس در کتاب خویش به نام «معناشناسی ساختاری» نظرات را به سوی مفهوم نشانه‌شناسی و معنای تقابلی روایت‌ها جلب نمود. حاصل کار گریماس در معناشناسی روایت، نظامی است که از پیش موجود نیست بلکه در فرایند تحلیل متن یا گفتمان کشف می‌شود و گاهی از آن به «الگوی زایشی» یاد کرده‌اند و آن را با توجه

به ویژگی‌های نشانه‌ معنایی حاکم بر روایت به سه دسته هوشمند، احساسی و رخدادی تقسیم نموده‌اند. (معین، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

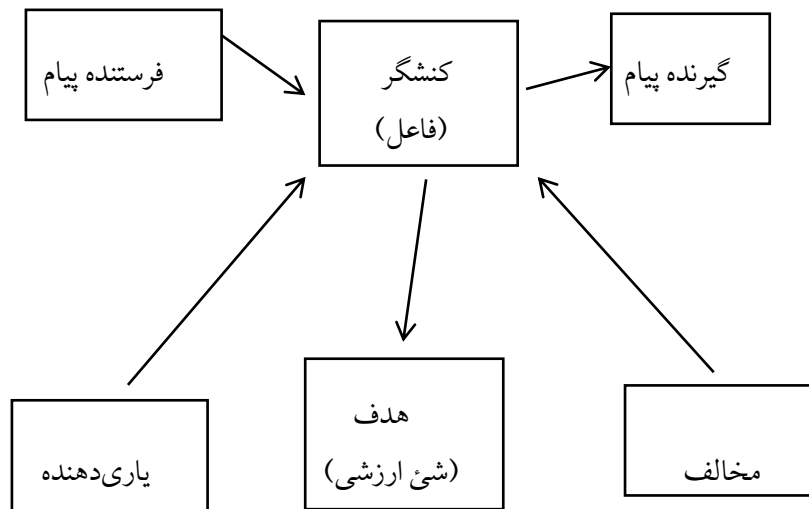
### روایت در نگاه گریماس

آلژیر داس ژولین گریماس (۱۹۱۷-۱۹۹۲ م) با انتشار کتاب معناشناسی ساختاری (۱۹۶۶ م) و درباره‌ معنا (۱۹۷۰ م)، به عنوان مهم‌ترین نظریه پرداز معناشناسی روایت، شهرت یافت. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۱). گریماس ساختار روایت را، به ساختار گرامری زبان نزدیک دانسته و داستان‌ها را صرف نظر از تفاوت محتوایی، متاثر از یک ساختار کلی می‌داند. آنچه برای او اهمیت دارد، دستور زیر بنایی سازنده روایت‌هاست، نه متن‌های منفرد. از نظر او، دستور روایت همچون دستور زبان، محدود است (گرین و لیهان، ۱۳۸۳: ۱۱۰) و هدف گریماس از تحلیل ساختار روایت، آن است که با بهره‌گیری از تحلیل معنایی ساخت جمله، به دستور زبان جهانی روایت، دست یابد. (سلدن و ویوسون، ۱۳۸۴: ۱۴۴). گریماس روایت‌شناسی را، بر پایه نظریه ریخت‌شناسی اثر پراپ، با عنوان قصه‌های پریان استوار ساخت و با این تفاوت که از دامنه محدود مطالعات پراپ که مربوط به (حکایت‌های عامیانه) است، پافراتر نهاد و سعی بر ارائه دستور زبان جدید و جهانی روایت داشت. پراپ برای هر روایت هفت شخصیت اصلی را، تعیین نمود. (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۴۳)

اما گریماس، شخصیت‌های روایت یا کنشگران را، بر اساس مناسبات و تقابلهایی که با هم دارند؛ به شش دسته تقسیم نمود: ۱- شناسنده / کنشگر (فاعل): شخصیتی که عمل را انجام می‌دهد و به سوی شیء ارزشمند می‌رود. ۲- موضوع شناسایی / شیء ارزشی: هدفی است که به سوی آن می‌رود یا عملش را روی آن انجام می‌دهد. ۳- فرستنده پیام / تقاضاکننده: عامل یا نیرویی است که کنشگر را به دنبال خواسته و هدفی می‌فرستد. ۴- گیرنده پیام: کسی که از اعمال کنشگر بهره می‌برد. ۵- یاری‌دهنده: او به کنشگر برای دستیابی به شیء ارزشی، یاری می‌دهد. ۶- مخالف / بازدارنده: کسی است که کنشگر را از دستیابی به شیء ارزشی، باز می‌دارد. در این ساختار، فاعل، عنصر محوری کنش داستان است؛ یعنی کسی یا چیزی که کنشی را انجام می‌دهد. هدف چیزی است که فاعل با کنش‌هایی در پی دستیابی به آن است. هر آنچه بر سر راه رسیدن به هدف قرار می‌گیرد، ضد قهرمان یا رقیب نام می‌گیرد. فرستنده، فاعل یا کنشگر را به دنبال هدف می‌فرستد. در این میان گیرنده یا دریافت‌کننده از بهره، برخوردار می‌شود و نیروهای یاریگر و مخالف در صدد ممانعت بر می‌آیند. (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴)

براین اساس الگوی گریماس و نظریات وی در باب روایات به الگوی جهانی روایت، مبدل گشته که منطبق با اثر ادبی و غیر ادبی است؛ به نوعی که می‌توان ساختار یک روایت را با نظرات روایت‌شناسی وی، مورد بررسی قرار داد.

## الگوی کنشگری گریماس



نمودار کنشی بر اساس نظریه‌ی گریماس (گریماس، ۱۳۸۷: ۸۶)

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

باهره طالع‌زاده (۱۳۹۱) از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده هنر و معماری با عنوان پایان‌نامه «بررسی نمایشنامه‌های رویا در شب نیمه تابستان و مکبث، اثر ویلیام شکسپیر» وی در پژوهش خود، به بررسی نمایشنامه‌های رویا در شب نیمه تابستان و مکبث، از نگاه صحنه‌ها و مفاهیم آن همراه با کندوکاو بر زندگی و شخصیت شکسپیر و بر شمردن آثار ادبی وی و شخصیت‌شناسی کاراکترهای نمایشنامه‌های او، پرداخته است. پژوهشگر، دو نمایشنامه ذکر شده را به گونه‌ای مجزا و ضمن بیان نمودن خلاصه‌ای از داستان و منابع اسنادی شکسپیر، به منظور نوشتن نمایش‌نامه‌ها و تبیین و تحلیل کاراکترهای نمایش، مورد بررسی و مطالعه قرار داده است و برخی از صحنه‌های نمایشنامه‌های مذکور را تحلیل کرده است. سارا حسین‌آبادی (۱۳۹۹) از دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات با عنوان رساله دکتری «بررسی تطبیقی رقیبان عشقی در شش اثر منتخب فارسی و انگلیسی»، در این رساله، به بررسی و تطبیق شخصیت رقیب، علت و چگونگی حضور او در داستان، در شش اثر عاشقانه فارسی و انگلیسی پرداخته است. نتایج بدست آمده از این رساله حاکی از آن است که با عنایت به الگوی کنشگری گریماس عاشق تمایل به معشوق خویش دارد و تنها عشق است که داستان را به جلو سوق می‌دهد و از طرف دیگر هر موردی که بر سر راه رسیدن به عشق سد و مانع شود، بازدارنده است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۱-۲. تلخیص داستان

پایستا مینولا، بازرگانی بسیار ثروتمند، اهل پادوا است و نام فرزندان وی کاترینا و بیانکاست. دختر بزرگ‌تر (کاترینا) به سبب خوی تند و گزنده در دیار خود انگشت نداشت و از همین رو بی‌خواستگار مانده؛ حال آنکه خواهر کوچک‌تر (بیانکا) محبوب و با وقار و مورد تایید همگان است. بیانکا متین‌دو خواستگار به نام‌های «هورتسیو و گرمیو» دارد اما پدر بیانکا از دادن پاسخ مساعد به خواستگاران، ابا می‌کند؛ مگر آنکه اول برای دختر بزرگ‌تر شوهری یافت شود که این شرط پدر همچون سدی، بر سر راه خواستگاران بیانکا قرار گرفته بود.

از طرف دیگر «پتروچیو» جوانی است که به قصد ازدواج با زنی ثروتمند به پادوا آمده است و هورتسیو (دوست پتروچیو) به طور اتفاقی با دوست خود ملاقات می‌کند. پس از شنیدن قصد وی، دختر ثروتمندی به نام کاترینا را به او پیشنهاد می‌نماید اما متذکر می‌گردد که این دختر عیب‌های فراوانی دارد. پتروچیو که مبهوت ثروت دختر جوان گشته بود از توصیفات دوست خود درباره زبان گزنده و خلق و خوی تند کاترینا دلسرد نگشت و در صدد خواستگاری از او برآمد. پایستا مینولا بسیار خرسند از اقدام پتروچیو، شرایط خواستگاری را فراهم نمود. پتروچیو با دیدن برخورد سرد و توهین‌آمیز کاترینا، در تصمیم خود همچنان مصمم بود و صبوری پیشه می‌کرد. در نهایت از کاترینا خواستگاری کرد و زندگی خود را با وی، آغاز نمود. پتروچیو توانست، با اخلاق منحصر به فرد خویش و سخت‌گیری در تهیه غذا، لباس، شرایط زندگی و ... خوی تند کاترینای سرکش را، کنترل و او را تحت تاثیر خود قرار دهد و رفتار سرکشانه کاترینا را، اصلاح نماید.

### ۲-۲. شخصیت‌های اصلی داستان

پایستا (ثروتمند اهل پادوا)، پتروچیو (خواستگار کاترینا)، گرمیو و هورتسیو (خواستگاران بیانکا)، کاترینا و بیانکا (دختران پایستا). (شکسپیر، ۱۳۸۱: ۴۲۲)

الف: کنشگر / فاعل: پتروچیو (دوست هورتسیو)

ب: هدف / موضوع شناسایی / شیء ارزشی: ازدواج پتروچیو با دختری ثروتمند

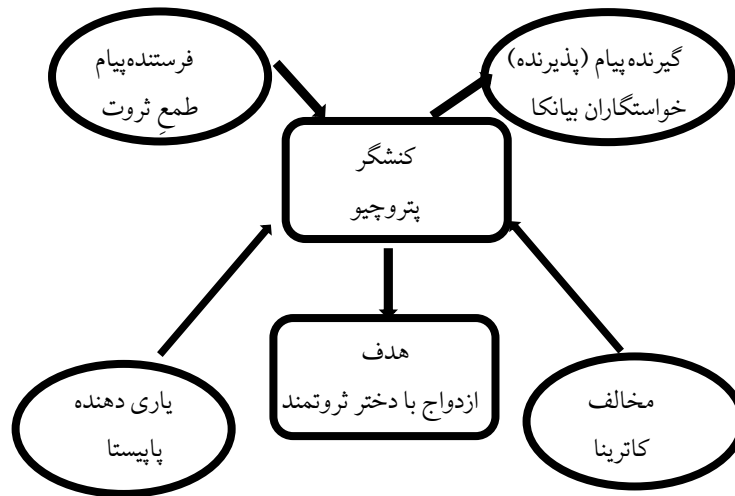
ج: فرستنده پیام: طمع ثروت

د: پذیرنده / گیرنده پیام: خواستگاران بیانکا (هورتسیو و گرمیو)

و: یاری دهنده: پدر کاترینا و بیانکا

ه: مخالف / باز دارنده: کاترینا

## نمودار داستان مطابق با الگوی گریماس



## کنشگر / فاعل

در الگوی گریماس، فاعل (کنشگر) شخصیتی است که عمل را، انجام می‌دهد و به سوی هدف حرکت می‌کند (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴) و در روایت، کنشگر مهم‌ترین شخصیت داستان است. (گریماس، ۱۳۸۷: ۸۶). در داستان حاضر، شخصیتی که گام در جهت هدف برمی‌دارد؛ پتروچیوست. وی در جهت آشنایی با کاترینا مصمم است.

هیچ حرف و سابقه‌ای از کاترینا وی را، از حرکت باز نمی‌دارد و مایوس نمی‌کند. (گارفیلد، ۱۳۸۱: ۱۵۴). حرف‌های تند و آتشین و تلخ کاترینا را پذیراست و خم بر ابرو نمی‌آورد. (همان: ۱۶۱)

کنشگر (پتروچیو) همواره با رفتار بسیار زننده کاترینا، مواجه می‌گردد اما خویشتن داری می‌کند. وی برای رسیدن به ثروت کاترینا، هر مانعی را از سر راه خویش بر می‌دارد و پس از نیل به هدف در داستان، با رفتاری حساب شده اقدام به اصلاح رفتار کاترینا می‌نماید و یک زندگی سرشار از محبت و احترام متقابل را، می‌سازد که موجب تعجب همگان می‌شود.

نویسنده به صورت کاملاً مشهود، همه اعمال حرکتی به سوی هدف را، به پتروچیو می‌بخشد؛ از این رو تحلیل و اطلاق نقش فاعل به شخصیت پتروچیو، در داستان رام کردن زن سرکش، امری بدیهی است.

## موضوع شناسایی / هدف / مفعول

بر اساس الگوی گریماس شیء ارزشی، همان هدفی است که کنشگر (فاعل) به سوی آن می‌رود یا عملش را روی آن انجام می‌دهد. (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در داستان رام کردن زن سرکش مانند بسیاری از داستان‌های دیگر، هدف یا مفعول حاکی از یک شخصیت، در داستان نیست. در این داستان، هدف یک تمایل مادی و دنیوی بیان شده است که به ذات خود، امری پسندیده نیست. به طور قطع رسیدن به هدفی پست و خارج از معنویات اخلاقی، نمی‌تواند پندی آموزنده و شایسته‌ای داشته باشد. اما نویسنده در ایجاد هدف برای کنشگر، چاره‌ای ندارد و دلیلی برای عشق پتروچیو، به کاترینای بد اخلاق و تند خو نیافته است. بنابراین تمام عزم و اراده کنشگر برای رسیدن به هدف را در امری دنیوی یعنی ثروتمند و متمکن شدن، مطرح می‌سازد و در داستان بیان می‌دارد که پتروچیو در صدد ازدواج با دختری

ثروتمند به پادوا آمده است. (گارفیلد، ۱۳۸۱: ۱۵۴). این هدف مادی، همان هدفی است که کنشگر (پتروچیو) را، به سوی رسیدن به کاترینا و انجام عملی شگرف که همان رام کردن زن سرکش است؛ سوق می‌دهد.

میل و خواسته دنیوی پتروچیو، سبب می‌گردد تا هر گونه وصف بد اخلاقی‌ها و کلام تلخ کاترینا که از زبان دوستش هورتنسیو، بیان می‌شد را در مقابل هدفش، ناچیز ببیند. (همان: ۱۵۵). در این راه حتی رفتار زننده کاترینا و صحبت‌های بیجانانه او را نمی‌دید و نمی‌شنید و تمام موارد را با روی خوش و رفتاری ناشی از صبر پاسخ می‌داد. (همان: ۱۶۱). این هدف ممکن است شور و اشتیاق رسیدن به عشق در دنیای واقعی و فراتر از آن، دستیابی به عشق روحانی و معنوی را شامل نگردد ولی برای حرکت کنشگر (پتروچیو)، کافی بود تا نویسنده او را به سوی هدفی والاتر که همان اصلاح اخلاق و رفتار ناپسند کاترینا و ایجاد پیوندی سراسر از محبت و گذشت است، سوق دهد.

### فرستنده پیام

فرستنده، کنشگر را به دنبال شیء ارزشی می‌فرستد تا گیرنده از آن سود ببرد. (گریماس، ۱۳۸۷: ۸۶). گریماس در الگوی خود فرستنده یا تقاضا کننده را عامل یا نیرویی می‌داند که کنشگر (فاعل) را به دنبال هدف می‌فرستد. (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در این داستان، هدف پتروچیو، تنها ازدواج با دختری ثروتمند است. طمع در بدست آوردن ثروت سبب گردیده تا پتروچیوی جوان (گارفیلد، ۱۳۸۱: ۱۵۹) را از رسیدن به کاترینای بدون خواستگار و بد اخلاق باز ندارد. (همان: ۱۵۰). در برخی داستان‌ها، صحبت از عشقی می‌شود که در کودکی یا جوانی و یا حتی پیری، به وجود می‌آید و در برخی دیگر گرایش‌های روحانی و معنوی، سبب ایجاد انگیزه و علاقه درونی کنشگر می‌گردد. در داستان رام کردن زن سرکش، خرق عادت نویسنده، سبب گردیده است تا نیرو و عامل دنیوی (ثروت) کنشگر را، به سوی هدف بفرستد. از دلایلی که ما را مجاب می‌نماید تا طمع ثروت را به عنوان فرستنده در نظر بگیریم این است که کنشگر (پتروچیو) بدون دیدن کاترینا و بی‌آنکه با وی ملاقات داشته باشد، خواهان وصال او می‌گردد. در این شرایط او فقط با شنیدن وصف ثروت کاترینا، هدف خود را مشخص می‌نماید و با جزم کردن عزم و مصمم از این تصمیم، هرگونه ناهنجاری را، به جان می‌خرد تا به هر قیمتی، ازدواج با کاترینا و رسیدن به ثروت کلان را، برای خویش رقم بزند. بنابراین هیچ دلیل و برهانی غیر از طمع دنیوی به مال و ثروت نمی‌تواند، عامل یا نیرویی باشد که چنان کشش عمیقی را، درون کنشگر (پتروچیو) ایجاد نماید.

### گیرنده پیام / پذیرنده

طبق الگوی گریماس، پذیرنده (گیرنده پیام / ذی‌نفع) شخصیتی است که از اعمال کنشگر (فاعل) بهره می‌برد. (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در داستان حاضر شخصیت پتروچیو (کنشگر) در جهت رسیدن به مال و ثروت، پا روی احساسات خود می‌نهد و هر سختی را می‌پذیرد.

در این راه با طعنه‌ها و صحبت‌های تلخ کاترینا مواجه می‌گردد و حتی از او بی‌احترامی می‌بیند ولی در تصمیم خود راسخ است و برای رسیدن به هدف، صبوری پیشه می‌کند و اخلاق و تندخویی‌های کاترینا

را، تحمل می‌کند. (گارفیلد، ۱۳۸۱: ۱۶۱) اما این امر موجب برداشتن یک مانع بزرگ، از سر راه دو شخصیت دیگر داستان می‌گردد.

براساس داستان، پایستا دارای دو دختر است. دختر بزرگ‌تر (کاترینا) اخلاقی تند، به مثابه ابلیس دوزخ و دختر کوچک‌تر (بیانکا)، چون فرشته آسمان و شرط ازدواج بیانکای خوش اخلاق، ازدواج خواهر بزرگ‌تر است که به سبب بداخلاقی هیچ خواستگار ندارد. (همان: ۱۵۰). بنابر این، ازدواج کاترینا موجب شادی و راحتی خواستگاران بیانکا می‌گردد و بدون تردید، کسانی که از اعمال کنشگر (پترو چیو) بهره می‌برند هورتنسیو و گرمیو می‌باشند و همچنین خود شخصیت بیانکا را نیز می‌توان در زمره یک پذیرنده قلمداد نمود. این سه شخصیت داستان هیچ گونه تلاشی برای حرکت پتروچیو (کنشگر) در جهت رسیدن به هدف نمی‌نمایند. بنابر این نمی‌توان در الگوی گریماس آنها را در دسته‌بندی یاری‌دهنده قرار داد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، از جمله ویژگی‌هایی که گریماس برای حکایت‌های فولکلوری برمی‌شمارد، این است که در این حکایت‌ها، کنشگر هم فاعل و هم پذیرنده است. (صالحی نیا، ۱۳۸۷: ۳۲۸). بنابر این علاوه بر بیانکا، هورتنسیو، گرمیو و شخصیت فاعل یا همان پتروچیو را نیز می‌توان در دسته بندی پذیرنده قرار داد.

#### یاری دهنده

یاری‌دهنده، او کنشگر را یاری می‌دهد تا به شیء ارزشی برسد. (گریماس، ۱۳۸۷: ۸۶) با توجه به الگوی گریماس یاری‌دهنده کسی است که به کنشگر برای دستیابی به هدف، یاری می‌رساند. (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴) با مطالعه داستان این نکته به چشم می‌خورد که خواستگاران بیانکا برای برداشته شدن مانع ازدواجشان با بیانکا، در صدد تلاش و یاری رساندن پتروچیو، برای ازدواج با کاترینا باشند.

اما هورتنسیو (دوست کنشگر) تنها پیشنهاد ازدواج با زن ثروتمند که همان کاترینا باشد را، به وی داده است. (گارفیلد، ۱۳۸۱: ۱۵۴) و حتی در بازگومودن عیب‌های فراوان کاترینا، از هیچ مضایقه‌ای، دریغ نموده است و در کلامی، حتی سعی در منصرف ساختن پتروچیو دارد.

خواستگار دیگر (گرمیو) نیز، با شنیدن این اقدام پتروچیو متعجب می‌شود و متذکر می‌گردد که کاترینا اخلاق بسیار تند و تلخی دارد. (همان: ۱۵۶). در این بین تنها می‌توان یاری‌دهنده را، پایستا مینولا، قلمداد نمود زیرا پدر کاترینا، به سبب شادمانی ازدواج دخترانش به پتروچیوی جوان یاری می‌رساند و شرایط را برای دیدار و صحبت کنشگر و کاترینا، فراهم می‌سازد.

#### مخالف / بازدارنده

مخالف (باز دارنده) در الگوی گریماس کسی است که کنشگر را از دستیابی به شیء ارزشی باز می‌دارد. (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴) تنها مخالف در داستان، خود کاتریناست که به سبب اخلاق بد، با تندخویی و سردی با کنشگر (پتروچیو) رفتار می‌کند و او را از خود می‌رانند. زیرا که او تا بحال خواستگاری نداشته است و با توجه به گفتار توهینی و رفتار تحقیرآمیزانه، سعی در منصرف نمودن کنشگر دارد و در تلاش است تا او را دلسرد نماید. کاترینا، پتروچیو را تحقیر می‌کرد ولی پتروچیو

مهربانی می‌کرد. (گارفیلد، ۱۳۸: ۱۶۱). با توجه به بررسی‌های کنش‌شخصیت‌ها، بی‌تردید تنها مخالف در این داستان کاتریناست.

### ۳. نتیجه‌گیری

با کنکاش هر یک از شخصیت‌های داستان کم‌دی «رام‌کردن زن سرکش» که بر اساس نگرش بر نظریه‌ی گریماس، مورد تفحص قرار گرفته‌اند؛ می‌توان تصدیق کرد که این داستان مطابق با الگوی گسترده، فراگیر و جهانی، گریماس است. در تحلیل این داستان، کنشگر، پتروچیو و هدف او (موضوع شناسایی) ازدواج با دختری ثروتمند است. فرستنده‌ی پیام، طمع ثروت (یک مفهوم انتزاعی) و یاری دهنده، پدر کاترینا و بیانکا (پایستا) است اما پذیرنده داستان، خواستگاران بیانکا و مخالف کنشگر، کاتریناست. همانطور که قابل مشاهده است هر شش نقش منطبق با الگوی گریماس در روایت حضور دارند و داستان رام‌کردن زن سرکش با الگوی کنشی گریماس هم پوشانی قابل‌پذیرشی دارد. در داستان روایی کلاسیک، همیشه یک بحث اخلاقی در ابتدا، وسط یا در انتهای قصه عامیانه وجود دارد. بحث اخلاقی گاهی به طور بسیار ظریفی، حتی گاهی به طور مبهم که خیلی روشن و واضح نباشد، طرح می‌شود و در پایان ممکن است که این نتیجه‌گیری اخلاقی بدون اینکه به طور مستقیم ارائه شود، به طور غیر مستقیم، خود را نشان دهد. (گرمس، ۱۳۹۹: ۲۰). در داستان مذکور نیز، بحث اخلاقی نویسنده، اصلاح رفتار شخصیت کاترینا است که به طور غیر مستقیم، توسط کنشگر انجام پذیرفته است. چرخه‌ی حرکت شخصیت‌ها و سیر حوادث داستان زنجیروار و منسجم به هم مرتبط گشته‌اند و نظم درونی داستان حکایت از انسجام کلی روایت دارد. الگوی کنشگری گریماس با تفکیک اجزای ساختاری هر داستان، در فهم و درک بهتر و تجزیه و تحلیل شخصیت‌های داستان‌ها، سهم به‌سزایی دارد و برای انواع روایت قابل‌تعمیم است.

### منابع

۱. آسابرگر. آرتور. ۱۳۸۰. *روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره*، ترجمه محمد رضا لیروانی، تهران: کانون اندیشه‌ی اداره کل پژوهش‌های صدا و سیما.
۲. احمدی. بابک. ۱۳۸۸. *ساختار و تاویل متن*، تهران: مرکز.
۳. پراپ. ولادیمیر. ۱۳۶۸. *ریخت‌شناسی قصه پریان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز.
۴. تایسن. لیس. ۱۳۸۷. *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه روز.
۵. سلدن. رامان و پیترویدوسون. ۱۳۸۴. *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۶. سجودی. مهناز. ۱۳۸۳. *نشانه‌شناسی*، تهران: قص.

۷. شفیع کدکنی. محمدرضا. ۱۳۹۶. رستاخیز ادبی (درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورتگران روس)، تهران: سخن.
۸. شکسپیر. ویلیام. ۱۳۸۱. مجموعه آثار نمایشی ویلیام شکسپیر، ترجمه علاءالدین بازارگادی، تهران: سروش.
۹. صالحی نیا. مریم. تحلیل ساختار روایت در قرآن، کتاب مقدس و چند متن عرفانی، رساله دکتری، رشته ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. فی. برایان. ۱۳۸۱. فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چند فرهنگی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
۱۱. قائمی نیا. علیرضا. ۱۳۹۳. بیولوژی نص، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی.
۱۲. کالر. جانانان. ۱۳۸۲. نظریه ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
۱۳. گارفیلد. لیون. ۱۳۸۱. داستان‌های شکسپیر، ترجمه حشمت کامرانی، تهران: هرمس.
۱۴. گریماس. آلژیرداس. ۱۳۸۷. اشاره به معناشناسی ساختاری، ترجمه علی قنبری، تهران: علم.
۱۵. گرمس. آلژیرداس ژولین. ۱۳۹۹. نقصان معنا، ترجمه حمیدرضا شعیری، تهران: خاموش.
۱۶. گرین. کیت و جیل لیبهان. ۱۳۸۳. درسنامه نظریه و نقد ادبی، ترجمه گروه مترجمان، تهران: روزنگار.
۱۷. گیرو. پی.یر. ۱۳۸۳. نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگ.
۱۸. لاج. دیوید. ۱۳۸۴. «درآمدی بر دستور زبان داستان، ادبیات داستانی». ترجمه ابوالفضل حری، سوره مهر. ش. ۹۴. صص ۲۲-۲۷.
۱۹. محمدی. محمد هادی و عباسی، علی. ۱۳۸۱. ساختاریک اسطوره، تهران: چیستا.
۲۰. معین. بابک. ۱۳۸۳. مسیریابی معنا، مجموعه مقالات اولین هم اندیشه نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
۲۱. میرصادقی. میمنت. ۱۳۸۸. واژه‌نامه هنر داستان، تهران: مهنان.
۲۲. وبستر. راجر. ۱۳۸۲. پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی، ترجمه الهه دهنوی، تهران: سپیده سحر.